



پزشکان طب سنتی ارجاع می‌دهم. بعدها هم اگر فرصتی باشد حتماً در زمینه طب سنتی تحصیل خواهیم کرد و در این زمینه تخصص خواهیم گرفت.

خاطره‌ای از شهادت برادر در جبهه‌های جنگ

یکی از خاطرات دکتر گلکار در دوران جنگ شهادت برادرش است. او در شرح این ماجرا می‌گوید: «خانواده همیشه می‌گفتند فقط یک نفر از ما باید در جبهه باشد. البته نه به جبهه می‌رفتم و برمی‌گشتم اما برادر من چون می‌دانست اگر برگردد دیگر خانواده اجازه رفتن او را به جبهه نخواهند داد، مرخصی هم نمی‌آمد و همانجا می‌ماند. تا اینکه در ماه رمضان شهید شد. زمان شهادت او من در مشهد بودم. همکارانم که خبر شهادت برادر را شنیده بودند، با مهربانی و علاقه خاصی با من برخورد کردند. از نوع برخورد آنان متوجه شدم اتفاقی افتاده اما تا زمانی که مرا همراه خود به طبقه بردند، چیزی نگفتند. جلوی در خانه که رسیدم، متوجه شدم برادر من شهید شده است.

مطلب را نیز پرداخت خواهند کردند. بنابراین به محله جاهد شهر آمد و تا امروز نیز در این محله به طبابت مشغول هستم.»

روزانه دو ویزیت رایگان

دکتر گلکار در کنار تخصص و علم، به اخلاق پزشکی و کمک به بیماران نیز اهمیت زیادی می‌دهد و در کمک کردن به بیماران نیازمند همیشه پیشقدم بوده و بدون گرفتن پول ویزیت آنان را مداوا کرده است. او دلیل این تصمیمش را چنین عنوان می‌کند: «چون معتقد هستم که انسان تا زمانی که زنده است باید کار خیر انجام دهد، تاجایی که بتوانم به بیماران کمک می‌کنم و اگر بیماری از وضعیت مالی خوبی برخوردار نباشد، پول ویزیت از او نمی‌گیرم و حتی برای ادامه معالجه او را به متخصصین خیر دیگر معرفی خواهم کرد.» دکتر گلکار طی قراری با شیر خوارگاه و خیریه روزانه دو ویزیت رایگان انجام می‌دهد.

جمع‌آوری اطلاعات ۱۲۰ گیاه دارویی

او جزو اولین کسانی است که با اهمیت دادن به داروهای گیاهی و سنتی، به جمع‌آوری و تدوین کتابی در زمینه گیاهان دارویی پرداخته و برای درمان بیماران از گیاهان دارویی استفاده کرده است. شناسایی ۱۲۰ گیاه دارویی نیز در همین زمینه انجام شده است. او می‌گوید: «با وجودی که پزشک طب جدید بودم، دوست داشتم اطلاعاتی نیز از داروهای گیاهی سنتی داشته باشم تا در صورت نیاز بتوانم از آن‌ها نیز در درمان بیماران استفاده کنم. به همین دلیل حدود ۸ سال پیش شروع به جمع‌آوری و مطالعه درباره خصوصیات گیاهان دارویی کردم، چون معتقدم بهترین درمان‌ها را می‌توان با داروهای گیاهی انجام داد. حتی بسیاری از بیماری‌ها را که با طب جدید و اروپایی جواب نمی‌دهد، می‌توان با طب گیاهی و سنتی درمان کرد. کار را شروع کردم و هم‌زمان با جمع‌آوری گیاهان و خاصیت‌هایشان کتابچه‌ای را هم تهیه کردم و نوع گیاه و درمانی را که باید انجام شود، توضیح دادم. با گرفتن مجوز تجویز گیاهان دارویی برای سلامتی و بهبود بیماران گیاهان دارویی را تجویز می‌کردم. تا اینکه پنج سال قبل دانشگاه طب سنتی تشکیل شد و من کارم را متوقف کردم و دیگر خودم نسخه داروی گیاهی نمی‌نویسم اما اگر احساس کنم بیمار به داروهای طب سنتی نیاز دارد، او را به

در ۲۰۰ متری دشمن بود و با توجه به بلند بودن بیل مکانیکی و دیده شدن آن توسط دشمن، رانندگان به طور مستقیم در تیررس دشمن قرار داشتند و دشمن دائماً محل آن‌ها را خمپاره باران می‌کرد. در اجرای این عملیات تعدادی از رزمندگان شهید و مجروح شدند اما عملیات در مدت ۴۰ روز تمام شد. کانال فاویک کانال ذوزنقه شکل بود که در نوع خود با مهندسی بسیار پیشرفته ساخته شد. در این سازه با نصب یک پمپ در آروند و یک پمپ در خورعبدا... آب را از دو سمت به بیرون هدایت کردیم تا فشار روی کانال نیاید، دهانه کانال ۱۰ متر بود تا دشمن به راحتی نتواند عبور کند. جنس پل خاکی بود، چون فرصت بتن‌ریزی و سیمان وجود نداشت.

افسوس شهادت هم‌زمان و تصمیم به تحصیل در پزشکی

دکتر گلکار که در بسیاری از مناطق و عملیات جنگی شاهد شهادت هم‌زمانش است، از اینکه نمی‌تواند کمک مؤثری برای نجات جان آنان انجام دهد، بسیار ناراحت و غمگین می‌شود. به همین دلیل تصمیم به ادامه تحصیل در رشته پزشکی می‌گیرد. وی می‌گوید: «در طول جنگ بارها شاهد زخمی شدن و شهادت دوستان و هم‌زمانم بودم. به محض اینکه یک نفر خمپاره می‌خورد چون ما نمی‌توانستیم کاری انجام دهیم، مدتی را به دنبال آمبولانس می‌گشتیم. بعد از مدتی هم که مجروح را در داخل آمبولانس می‌گذاشتیم، بلافاصله شهید می‌شد. در صورتی که الان می‌فهمم اگر با تکنیک‌های پزشکی آشنا بودم، می‌توانستم کمکشان کنم. این ناتوانی در نجات جان هم‌زمانم و شهادت آن‌ها در جلوی چشمانم تأثر و اندوه زیادی برایم به وجود آورد، به همین دلیل بعد از اتمام جنگ تصمیم گرفتم در رشته پزشکی ادامه تحصیل دهم. با وجودی که ازدواج کرده بودم و دو فرزند نیز داشتم و باید کار هم می‌کردم، نیت مرا عملی کردم و هم‌زمان شروع به درس خواندن کردم. برای تهیه مخارج زندگی و خانواده نیز به عنوان پرستار کشیک شب‌ها در بیمارستان کار می‌کردم.

ساخت اولین درمانگاه ویژه جانبازان و جهادگران

گلکار بعد از فارغ التحصیلی در رشته پزشکی، با مشاهده صدمات و در درنج جهادگران، با کمک چند نفر دیگر از پزشکان اولین درمانگاه تخصصی جهادگران را در شهر مشهد تأسیس می‌کند. او می‌گوید: «درسم که تمام شد، دوباره در سنگر جهاد مشغول به خدمت شدم. اولین کاری که کردیم ساخت و راه اندازی درمانگاهی برای جهادگران جنگ بود. بهترین متخصصان را هم جذب درمانگاه کردیم. مسئولیت درمانگاه شهید شوریده که منسوب به جهادگران است، به مدت پنج سال بر عهده من بود. این درمانگاه به دلیل داشتن پزشکان متخصص خیلی زود مورد توجه شهروندان قرار گرفت.»

اولین پزشک محله جاهد شهر

دکتر گلکار بعد از گرفتن مجوز طبابت اولین مطب خود را در چهارراه مخابرات راه اندازی می‌کند، اما بعد از مدتی با اصرار دوستان جهادگرش، به محله جاهد شهر می‌آید و تا امروز به طبابت خود در این محله ادامه داده است. او می‌گوید: «اولین مطبم را در چهارراه مخابرات راه اندازی کردم اما بعد از چند ماه تعدادی از هم‌زمان جهادگر از من خواستند که مطبم را به محله جاهد شهر منتقل کنم. آن‌ها گفتند که هزینه اجاره

در طول جنگ بارها شاهد زخمی شدن و شهادت دوستان و هم‌زمانم بودم. به محض اینکه یک نفر خمپاره می‌خورد چون ما نمی‌توانستیم کاری انجام دهیم، مدتی را به دنبال آمبولانس می‌گشتیم

